

زنان باید آزادی داشته باشند !

ولی معنای آزادی چیست ؟

یکی از علل انحطاط يك فرد و یا جامعه اینست که از تجربیات دیگران استفاده نکند و بخواهد دست بهمه کاری زده و اگر نتیجه سوئی گرفت بحکم تجربه آزارها کند و دنبال کار دیگری برود و نتیجتاً تجربه دیگری بیاورد .

این عمل بیشتر باین میماند شخصی که دواى مضر را بخورد و اگر مریض شد ، دیگر آن دوا را استعمال نکند ! و حاضر نشود از خوردن مریض شدن دیگران پند بگیرد و از تجربه آنها استفاده کند . مثلاً از زهر خوردن و مردن دیگران تجربه نیاموزد بلکه خودش زهر را بخورد ، اگر چنانچه مرد بحکم تجربه دیگر از آن زهر استعمال نکند ! !

ماملت ایران آیا نمىخواهیم از تجربیات دیگران استفاده کنیم و پند بگیریم؟ و دیگر این حساب رانمى کنیم تازه اگر بعضی از تجربیات همچون زهر، مارا نابود و منهدم سازد ما را از کاروان تمدن عقب مى اندازد و باید

عمری را به تجربه و آزمایش سپری کرد .

مدهاست که زنان فرانسه آزادی دارند ، باین معنی که امروز آنچه را بعضی ها برای زنان مامیخواهند و میگویند باید این عضو فلج را بکار انداخت ؛ و خیلی وقت است که در فرانسه بنحو تامی عملی است . ولی نتایج این آزادی مطلق در جنگ بین المللی اول برای دولت فرانسه روشن شد و فهمید ؛ چه اندازه این آزادی بنفع یا بضرر ملت و مملکت فرانسه بوده است .

«آمر» که یکی از رجال نهضت فرانسه است میگوید : «ما باید از قصور مردان در پیشرفت سیاسی عبرت بگیریم و البته واضح است زنان بمراتب از مردان در سیاست عقب تر ندو میل فطری بزبانده روی دارند و بهمین جهت در مسائل سیاسی عاقبت و خیمی بیار خواهند آورد » (۱)

«جون سیمون» فیلسوف اقتصاد نوشته است ، زنان در عصر حاضر بافنده و چاپ کننده شده اند ، تا آنجا که میگوید دولت زنان در کار خانه جات خود استخدام کرده و چند ربا لی از این راه ؛ زنان بدست میآورند ولی در مقابل این عمل ؛ پایه های شرافت خانوادگی خود را مترزل ساخته اند ، (۲)

خوبست ما هم از تجربیات فرانسه و انگلستان و آمریکایکا و سایر ممالکی که در عین ترقی آزادی کامل بزبان داده اند ، استناد کنیم و اگر

(۱) کتاب خلق المرأة

(۲) مدارکی در دست است که بادر نظر گرفتن اختصار ، از نوشتن خود

آزادی زنان در ترقی آنها مؤثر بوده ، ما هم تمامی توانیم بزنان خود آزادی کامل بدهیم ، ولی چنین نیست . امروز دولت آمریکا نمی تواند جلوی سیل بنیان کن فساد که زاده آزادی کامل زنان است ؛ بگیرد و توانسته است . بزرگترین مسائل علمی را حل کند ولی هنوز مسئله امور جنسی بشکل بفرنجی ، دولت و ملت آمریکا را نازاحت کرده است و میتوان ادعا کرد و ثابت نمود اگر باین نحوه زنان اروپائی و آمریکائی آزادی نداشتند ، ترقیات علمی بیشتری نائل میگردیدند : قوانین طبیعی را نمی شود انکار کرد .

کودکی که سوزاك و سفلیس ارثی داشته باشد و با در حال مستی ، پدر عمل زنا شوئی را انجام داده باشد ؛ کم عقل و کند ذهن بار میآید ، می خواهد این کودک در مهد تمدن یعنی آمریکا بدنیا بیاید ، و آزادی زنان قبحی نداشته باشد ، و خواه در یکی از صحاری خشک آفریقا ، نوامیس طبیعت لایتغیرند قابل انکار هم نیستند .

دکتر الکسیس کارلیکی از دانشمندان است که از لحاظ پزشکی ارزش بین المللی دارد ؛ میگوید « بیشتر مردم امروز بیش از جوانان دهه دوازده ساله نمی فهمند ! » البته این تحقیق در دهات دور افتاده ایران نشده است بلکه در تمدن ترین ممالک جهان صورت گرفته است .

شاید گفته این دانشمند بنظر خیلی عجیب بیاید ، باین مثال ساده تا اندازه ای میتوان اعجاب ز بر طرف کرد .

امروز یکی از دستگاہهای مهم تبلیغاتی مجلات است . . . در چهار صفحه پیرامون زائیدن و وضع حمل . . . هنرمند مشهور فرانسوی بحث

میکند و ما هم با میل و رغبت آن مجله را خریداری کرده و همان صفحات را با ولع مطالعه می‌کنیم. آیا آنها که این مطالب سخیف و بیچگانه و مبتذل را روی هزاران صفحه چاپ میکنند و بنام فرهنگ و ترقی در اختیار ما میگذارند عاقلند؟ و یا ما که آنها را با حرص و ولع مطالعه می‌کنیم صاحب شعور و فکری متین هستیم؟ خدا شاهد است که اگر کسی شہوات و خواسته‌های نفسانی را کنار بگذارد و بخواهد پیرامون موضوعی فکر کند و طالب حقیقت باشد بدون استدلال، حق برایش روشن خواهد شد.

شاید در اینجاست بنظر خواننده ارجمند برسد که اگر آزادی کامل زنان موجب بدبختی ملتی میشود؛ پس چرا دول مترقی تا کنون زنده اند. در جواب باید گفت: آیا دولت فرانسه شخصیت علمی خود را در جهان حفظ کرده است؟ امروزه همه مردم، پاریس را فاحشه‌خانه دنیا میدانند و همین زنان مقام علمی فرانسه را محو و نابود کردند.

دول دیگر هم قدرت صنعتی آنها مانع سقوط فوری آنها میشود. و از طرفی فساد هم وجود دارد و مردانی همچون ادیسون صاحب ۵۰۰ اختراع که ۲۳ نای آن هر کدام با اندازه برق اهمیت دارد، از سقوط و انهدام آنی آنها جلو گیری می‌کنند؛ ادیسون در شب زفاف حجله را گذارد و باز مایشگاه رفت و انیشتن گاهی آنقدر در دریای تفکر فرو میرفت که خانه‌اش را کم میکرد و همه این دانشمندان از اجتماع فاسد و شهوت انگیز بدور بودند و برای خود عالمی و سر و سودائی داشتند، آیا هرگز شنیده‌اند و یا در میان دانشمندان؛ جوانان و دختران هرزه و شهوت پرست و خوشگذران را دیده‌اند؟ خلاصه سخن آنکه: ما باید بفکر چاره باشیم، چرا که قدرت صنعتی

نداریم تا در مقابل فساد اخلاق؛ استقلال و آفاقی ما را حفظ و یابر ایمان کسب کند. اینرا هم باید بگویم: که دولت عدهٔ معدودی بیش نیست و ۱۹ میلیون نفر ملت هستیم، ما باید اصلاح شویم؛ آنها که می‌نشینند و مرتبا منفی بافی میکنند و همراه آباد ناسزا میگیرند، سخت در اشتباهند، ملت آمریکا ترقی کردند، ادسیون و تمام دانشمندان در ردیف ملت بودند، و دولت هم همراه آنها ترقی کرد. اما خوب نباشیم دولت هم نباید (۱) و نمی تواند خوب باشد. پس بنا بر این باید اصلاحات از فرد فرد ما ملت شروع شود.

دیگران چه - تهران مصور شماره ۸۳۱ مینویسد: مطابق آمارهای که میگویند؟ وزارت بهداشتی آمریکا در سال ۱۹۵۷ منتشر کرد تنهاده این سال هزاران نفر از کارمندان مؤسسات، بعلمت همکاری با زنان زیبا دچار اختلال حواس شده اند!

آری هرگز قوانین طبیعی منسوخ نمیشوند، اگر مرد زن زیبا را ببیند و نتواند کام دل بر آرد، دچار عقده‌های روحی و در نتیجه بیماریهای کوناگون روانی میشود. خواه زنان آزاد آمریکایی باشد و خواه زنان دهاتی ایرانی! خواه عهد جاهلیت باشد و خواه عصر قمر مصنوعی! خواه مردم قبول کنند و خواه انکار نمایند. همین تا راحتیهای روانی و خودکشی هاوی بی عفتی ها و مستی ها و در نتیجه تصادفها باعث شده که یکی از دانشمندان فرانسوی بگوید: «مردان ایرانی دیوارهای خانه‌های خود را به چون قلعه بلند میکنند و زنان در این ها بسر میبرند من برای این

(۱) برای اینکه بر ملت آزاد باید آزاد حکومت کنند.

آرام‌وسر! سرپاگدامنی غبطه‌میکشورم» در ایران خودمان دکتر رضاعی متخصص امراض روانی می‌نویسد:

«در سال ۱۲۹۴ تهران ۲۰ نفر و شهرستانها يك نفر بیمار روانی داشته است و در ۳۰ سال بعد یعنی ۱۴ سال قبل تهران ۳۰۰ و چندى شهرستانها بآن اندازه که مجبور شده‌اند بیمارستان بسازند آیا این تعداد بخاطر ازدیاد مساجد و مجالس دینی اضافه شده‌اند و با چیزهای دیگر که منجمله عشق‌ها و دیدن‌ها و خواستن‌ها و نرسیدن‌ها را میتوان نام برد.

چرازن نمیتواند دکتر چکنکوف یکی از دانشمندان مشهور بین‌المللی بکارهای مردانه اخیراً اظهار داشته است که: «نبوغ از خصائص ذاتی پیردازد»

مؤسسه تحقیقات پزشکی انگلستان که يك مؤسسه مشهور و قابل اعتمادی است، چندی قبل رسماً اعلام کرد که مردان از لحاظ کارهای اداری و سرعت در انجام کارهای محوله بمراتب باهوش‌تر و زرنگ‌تر از زنان میباشند و زن‌ها از لحاظ استدلال و استنباط کند ذهن تراز مردانند»

اگر خود ما هم بخواهیم عملاً استقرأء کنیم؛ ممکن است، شما اگر تحقیق کنید و باینکه خودتان استاد باشید می‌توانید دریابید که دختران در درس ذوقی و سلیقه‌ای از پسران جلو بند و بالعکس پسران در امور استدلالی مثلاً ریاضی و غیره بسیار ماهرتر و جلوتر از دخترانند و این فرق دختران و پسران طبیعی است و هیچ ربطی به اجتماع و محیط ندارد، بلکه صددرصد ذاتی می‌باشد، لازم است متذکر گزیم که برای دختران هم هیچ عیب و نقص نیست یعنی همانطور که نداشتن طبع ملایم و استخوان بندی ظریف

مانند زن برای مردان عیب و نقص نیست بهمانگونه نداشتن استعداد استدلال کردن از معایب زن نمیباشد .

واضحتر : طبیعت ، زن را از مزایای اجتماعی محروم نکرده بلکه با شرایط زندگی که برایش وضع نموده صدرصد کامل و عاری از همه گونه عیب و نقصی است . (۱) مولای متقیان علی علیه السلام میفرماید **فان المرثه ریحانه و ایست بقهر مانه** . زن گلی خوشبو است ولی پهلوان و ورزیده نیست .

و بهمین خاطر نمی توانند کار پهلوانان و ورزیدگان را بنمایند و لذا حضرتش در جای دیگر میفرماید: **ولا تملك المرثه من امرها ما جاوز نفسها** . **گمانخانه فیضیه** .

« مادام وی ریموز » گفته است : « فوای فکری ما زنان در امور علمی و مسائل دقیق ، خیلی کم است و اگر چه زود میفهمیم و تیزهوش هستیم ولی باز نمی توانیم دقیقاً روی موضوعی تمرکز فکری حاصل کرده و نظری صائب و متین بدهیم .

زنان باید آزاد باشند . آزادی نعمتی است که حیوانات بیابان و موجودات دریائی باید از آن بهره مند شوند . زنان در ردیف اشرف مخلوقات عالم می باشند و همانطور که گفته شد نسبت به محیط فعالیت خود صدرصد کامل و عاری از هر عیب و نقصند ؛ لذا آنها هم باید آزاد باشند .

(۱) اگر در کلمات در بار مولای علی (ع) پیرامون نقص زن سخن رانده شده نسبت به مردان و محیط زندگی مردان بوده است و این مدعا از سایر فرمایشات حضرت بخوبی ثابت میشود .

ولی چه کسی باید آزادی را معنی کند هم اکنون در این نوشته تا اندازه ای که زن از لحاظ طرز تفکر با مرد فرق دارد و از لحاظ جسمی هم که کاملاً در فیزیولوژی ثابت شده و ما وارد آن بحث نشدیم. مهمتر از همه محیط فعالیت زن با مرد ذاتاً فرق دارد و تا اندازه ای هم نتیجه آزادی کامل فعلی ممالک متمدن هم مورد بررسی قرار گرفت و پشیمانی رجال و دولت هم از این آزادی ذکر گردید.

همانطور که محیط فعالیت زن ذاتاً با مرد متفاوت و جداست و از لحاظ احساسات و تعقل و مهمتر از لحاظ جسمانی نیز متفاوت است لذا باید آزادی مرد و زن نیز با هم فرق داشته باشد، چرا که در علوم اجتماعی ثابت شده آزادی متناسب با محیط، رسوم، رشدی، فکری و قوای جسمانی است. فی المثل آزادی بچه و دیوانه در مقابل قانون با مرد عاقل متفاوت است و در نتیجه در مقابل قانون هم مساوی نیستند.

علمای علم الاجتماع آزادی را چنین تفسیر می کنند و این تفسیر

را بزرگان دینی ما هم در عهد جاهل و بردگی فرموده اند.

«تمام افراد بشر باید از نعمت آزادی برخوردار باشند ولی این

آزادی بِنفع جامعه باید محدود شود.»

زنان هم باید شامل این تعریف و تفسیر باشند چرا که در ردیف افراد

بشرند. ولی آزادی زن مثل مرد باید بِنفع جامعه محدود شود هیچکدام

از علما و دانشمندان مشهور و بین المللی تا کنون نگفته اند که آزادی

کامل زن در اجتماعات مردان مفاسدی را پدید می آورد غرض جنسی

همواره در مرد و زن متمدن و غیر متمدن بوزیعت نهاده شده و بشر تا بتواند

میخواهد به امیال خود پاسخ مثبت گوید.

بنابر این باید زنان آزاد باشند ولی این آزادی بِنفع جامعه محدود میگردد و به زن اجازه نمی‌دهد که مثل سیم بی‌روپوش برق، در اجتماعات رخنه کند و صبح و شام مردان را برق‌زده و فلج بگوشه تیمارستانها و بیمارستانها و یا میخانه‌ها بیاورد.

کسانی که می‌گویند زنان عضو فلج و بی‌کار اجتماعند، سخت در اشتباه و کم‌راهی‌اند چرا که تربیت اجتماع و بوجود آوردن نسل نیر و مند و سالم و با اخلاق بدست همین زنان می‌باشد.

طبیعت بزنی بی‌بای و دل‌آرایی بخشوده تا شوهر دل‌گرم و علاقمند باشد و نتیجتاً از صبح تا بشام زحمت بکشد و حاصل دست رنج خود را در اختیار بانوی منزل بگذارد؛ باو چنان مهر و عاطفه‌ای داده‌است که همه مهرها و عواطف در پیشگاه مهر مادری ناچیز و اندکند، چنان ذوق و سلیقه‌ای در وجودش تعبیه شده که يك منزل را آن‌طور منظم و مرتب می‌کند که از آن زیبا تر و قشنگ‌تر نمی‌شود.

هم‌اکنون این زن، این موجود لطیفی که اساس اجتماع را تشکیل میدهد اگر بخواهد يك کار گاه عظیم صنعتی را تحت کنترل قرار دهد، البته ناقص است و نمی‌تواند؛ صنعت را چه کار با قلب لطیف و بی‌آلایش که منبع بزرگترین و نیکوترین احساسات بشری است چرخها و میله‌های آهنین را چه کار بر روح لطیف و بی‌آلایش زن. در اینجا مرد لازم است، باید روح بزرگ و قلب آهنین مرد باشد تا بتواند از بهم ریختن مهرها و چرخهای آهنین يك کارخانه عظیم صنعتی جلوگیری کند، با وجود بی‌آورد، ولی آیا این مرد این قلب خشن نمی‌تواند پرستار کودک باشد. آیامی‌تواند ریزه‌کاری‌ها را مد نظر قرار

دهد. هرگز! اوتبر دیده‌است، چکش‌های آهنین‌را برداشته نمی‌تواند سوزن خیاطی‌را بدست بگیرد، نه اینکه محیط‌اوزا چنین تربیت کرده خیر! از روز اول که توانسته‌است اشیاء را از هم متمایز بشناسد، دنبال بازی‌های سنگین رفته‌ولی دختر از همان اوان طفولیت در آنموقع که معنای آزادی و تمدن سرش نمیشود، يك متكا يالباس را بنام كودك ببغل گرفته و از همان روز، بازبان بی‌زبانی بطرفداران دخالت‌دادن زنان در اجتماعات میگوید که:

من مادرم؛ من باید در آتیه مادر باشم، خدا این دست‌ها را برای نوازش شما و بچه‌های شما مردان، بمن عطا فرموده تا اینکه شما را بکار وادارم، بازبان خودم بشما انرژی کار کردن بدهم. من کارخانه‌آدم‌سازی شما هستم و محصول من اساس اجتماع، با افراد بشر است و انرژی من مهر و محبت؛ صفا و شفقت است. این قاعده و قانون را پروردگار دانا وضع کرده خدا ما را برای اجتماع خانه آفریده و شما را برای اجتماع خارج خلق فرموده است.

شما مردان باید کمتر بخود پیالید زیرا احترام مادر نزد اجتماع بیش از شما است؛ ماملکه کندوی دنیا هستیم و شما کارگران ما، شما باید طبق قانون طبیعی از صبح تا شام زحمت بکشید و رنج بپسیرید و وسائل زندگی من و فرزندان من را فراهم کنید، خیال نکنید با کلمه مقدس آزادی؛ مرا با اجتماع خارج بکشانید تا هم زحمت بکشم و هم خانه‌داری کنم و یادامنم را آلوده کنید تا اینکه عمر مرا بفلاکت و بدبختی بگذرانم.

وظیفه من اینست که اجتماع بسازم و شما احتیاجات اجتماع؛ شما

برق را کشف می کنید ولی من کاشف برق را تحویل دنیا میدهم؛ من آنچنان باید این کود را تربیت کنم که زادهٔ فکرش بمب اتم و اسلحه های مخرب جنگی نباشد. هم اکنون آیامن عضو ولج اجتماعم؟! یا اینکه شما می خواهید مرا گول بزنید؟

سخنی با دوشیزگان معصوم. هم اکنون که تا اندازه ای مقام و شخصیت شمار روشن شد ب فکر آینده خود باشید. ای کسانی که فردا بنام مادر قسمت اعظم مسئولیت اجتماعی بمعهد شماست، گول جوانان هرزه ای را که جز اطفاء شهوت نظر دیگر ندارند، مخورید! این زمزمه های عاشقانه ای که هر صبح و شام بگوش شما میخوانند؛ یکی از راههای نیل به هدف پلید آنهاست. همین جوانان هرزه اگر بخواهند زنی برای زندگی انتخاب کنند، چرا شمارا انتخاب نمی کنند؛ و اگر هم مدتی باشما زندگی کنند، بزودی منجر بجدائی میگردد. آنها دنبال دختران عقیف و فهمیده، همانهاییکه گوشه خانه نشستند و با حکم آزادی فریب نخوردند، میروند این جوانان بصورت زیبا شمارا برای لذات آنی میخوانند و میداندند با دخترانیکه در کوچه و خیابان آشنا میشوند، لایق زندگی و نام مقدس مادر نیستند و از طرفی اینرا هم معتقدند که برای لذات آنی و عیسهای ناپایداری نقص و عیبند خلاصه بکشید که عقیف و پا کدامن باشید و گول حرفهای بظاهر شیرین و در باطن زهر آلود جوانان را نخورید؛ و اگر دبیرستان یا دانشگاه میروید، بکشید متکبرانه و عقیفانه از کوچه و خیابان بگذرید و بخاطر خوشبختی و سعادت خودتان از لذات آنی صرف نظر کنید.

من آنچه شرط بلاغ است بتو میگویم تو خواه از سخنم پند گیر و خواه مالال